

## نگاهی به تصویر زن در شعر شاعران معاصر عرب

\* طیبیه سادات حسینی

\*\* استاد راهنما: زهرا روح اللهی امیری

### چکیده

این مقاله به بررسی وضعیت زن در شعر تعدادی از شاعران عرب پس از نهضت (سال 1320 ق به بعد) می‌پردازد. پیشرفت‌های سریع و تحولات اجتماعی غرب در قرن نوزدهم، باعث تحول نگرش روشن‌فکران و به دنبال آن ادیبان و شاعران، به زنان شد. در این مقاله، نخست دوره‌های ادبیات عرب و ویژگی‌های بارز هر دوره به اختصار آورده شده، آن‌گاه تصویر زن در شعر دوره‌های گذشته تبیین شده است؛ عصر جاهلی، عصر اموی، عصر عباسی و عصر انحطاط. سپس برخی عوامل تغییر زندگی و به دنبال آن تغییر نگرش اعراب در عصر نهضت بیان شده است. با بررسی شعر برخی شاعران صاحب‌نام معاصر، می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند گاهی تصاویر حسی و یا تصاویری از گونه ادبیات جاهلی دیده می‌شود، ولی شعر معاصر بر مسایل معنوی زنان، مانند تعلیم و تربیت، آزادی (یا چشم‌پوشی از اختلاف نظر در مفهوم آن) و... تأکید بسیاری دارد و این تأکید، حاصل تمایز نگاه عرب معاصر به زن با دیگر دوره‌هاست و نتیجه‌اش بر بسیاری مسایل معنوی، انسانی و اجتماعی نمایان است.

کلید واژه: تصویر، زن، نهضت، شعر، معاصر، عرب.

---

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، مدرس مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی.

\*\* دانش‌پژوه دوره دکتری رشته تاریخ، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی.

## مقدمه

زن، شریک زندگی مرد است و بخشی از اندیشه‌ها، احساسات و عواطف مرد متوجه اوست. در همه دوره‌های مختلف زبان و ادبیات عرب، تصویری از زن در اشعار آن دوره دیده می‌شود. اگرچه این تصویر بیشتر وصف جمال و زیبایی اوست، گاهی نیز با تحولات اجتماعی، این تصویر تغییر می‌کند و نگاه به زن، نگاهی عمیق‌تر می‌شود.

تاریخ‌نویسان ادبیات برای ساده‌تر شدن بررسی آثار ادبی، دوره‌های ادبیات عرب را به پنج دوره تقسیم کرده‌اند.

1. دوره نخست که دوره جاهلی نامیده می‌شود، از اواخر قرن پنجم میلادی شروع می‌شود و تا ظهور اسلام ادامه می‌یابد. درباره علت نام‌گذاری این دوره به دوره جاهلی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند رواج بت‌پرستی و جهل میان اعراب علت این نام‌گذاری بوده است. به اعتقاد برخی دیگر این دوره، به سبب رواج دشمنی و خونریزی میان عشایر و قبیله‌ها، دوره جاهلی نامیده شده است.<sup>1</sup> به هر حال آنچه از ویژگی‌های این دوران برای ما مهم است، زندگی ساده مردم و انس آنان با طبیعت است که در نتیجه، ادبیات این دوره سرشار از اوصاف طبیعی اطراف است.

2. دوره دوم، دوره اسلامی است که از سال اول هجرت تا سال 132 هـ.ق ادامه دارد. از مسایل مهم این دوره بعثت پیامبر اکرم (ص) و دعوت ایشان به توحید و یکتاپرستی، رواج آداب و رفتار اسلامی، پرهیز از تعصب‌های بی‌مورد دوران جاهلی و بنیاد نهادن دولت اسلامی بر پایه برادری و برابری بود. قرآن کریم تأثیر زیادی بر اعراب مسلمان و ادبیات ایشان داشت. پس از اسلام اعراب با دیگر ملت‌ها ارتباط برقرار کردند و از بدویت به پیشرفت روی آوردند. گسترش ارتباط با دیگر ملت‌ها باعث بهبود اوضاع اقتصادی اعراب شد. از دیگر ویژگی‌های این دوره فتوحات اسلامی است؛ در زمان خلفاء راشدین و به ویژه در دوره امویان، بسیاری از سنت‌های جاهلی و تعصب‌های قومی بازگشت.

3. دوره سوم یا دوره عباسی از سال 132 هـ.ق آغاز می‌شود و تا سال 656 هـ.ق ادامه می‌یابد. در این دوره از قدرت قوم عرب کاسته شد و اعتبار ایرانیان افزایش یافت؛ ایرانیان در تمام ارکان دولت عباسی نفوذ کردند و بیشتر سرداران و وزیران بزرگ، ایرانی بودند. در این دوره پایتخت اعراب از دمشق به بغداد انتقال یافت، تأثیر ایرانیان بر حکومت عباسی بسیار

زیاد شد، وضع اقتصادی اعراب بسیار رونق گرفت، نهضت ترجمه به راه افتاد و علوم مختلف از زبان‌های گوناگون به زبان عربی ترجمه شد. در این میان، علوم جدیدی مانند کلام و فلسفه اسلامی و... نیز پدید آمد و انتشار فرهنگ‌های مختلف باعث تعدد فرق و مذاهب شد.

پس از چندی دولت عباسی اندک اندک به سستی گرایید و از هیبت خلافت کاسته شد؛ از هر جا دعوی استقلال شنیده می‌شد، فساد سیاست منجر به آشوب میان مردم شد و مردم در تنگنا قرار گرفتند. ادعای پیامبری در این دوران بسیار شنیده شد و اندیشه‌های فلسفی میان اندیشمندان، تصوف میان مردم رواج یافت.

4. دوره چهارم یا عصر انحطاط، از سال 656 هـ.ق شروع شد و تا سال 1220 هـ.ق ادامه داشت. خلافت عباسی که از مدت‌ها پیش از این دوره در سراشیب سرنگونی افتاده بود، سرانجام با حمله مغولان به بغداد از پا درآمد. بی‌دلیل این دوره را دوره انحطاط ننماید؛ چراکه پس از ورود هلاکو به بغداد، اعیان شهر کشته شدند و کتاب‌ها را به دجله انداختند. تیمور لنگ نیز بر این ویرانی‌ها افزود. از ویژگی بارز این دوران، ناامنی، فساد، فقر و محرومیت است. عده‌ای از مردم به زهد و عده‌ای دیگر به غارت و بی‌بندوباری روی آوردند.

5. عصر معاصر یا عصر نهضت از سال 1220 هـ.ق آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. از ویژگی‌های بارز این دوران تأسیس مدارس، انتشار روزنامه، تأسیس چاپخانه، ایجاد کتابخانه، برپایی مجامع علمی و ادبی، شرکت خاورشناسان در تحقیق و نشر کتب و اعزام دانشجویان به کشورهای اروپایی است. این تحولات باعث پدید آمدن مسایل و موضوعات جدیدی چون لزوم تعلیم و تربیت زنان، مشارکت زنان در جامعه، مسئله حجاب زن و... شد و به دنبال آن بازتاب این مسایل در ادبیات پدیدار شد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که با همه این دگرگونی‌ها در عصر حاضر، شاعران معاصر عرب چه تصویری از زن در شعر خود ترسیم می‌کنند؟

### نگاهی به تصویر زن در شعر دوره‌های گذشته

با نگاهی به شعر جاهلی (اواخر قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام) مشخص می‌شود که شاعر بدوی چیزی را توصیف می‌کرد که در اطرافش می‌دید. از این رو، تصویر زن در شعر جاهلی منحصر به توصیف ظاهر اوست. زیبایی نزد ایشان عبارت بود از اعتدال قامت، چشم درشت و

سیاه، گونه سرخ، پوست سفید، باریکی کمر و گردن زیبا و بلند.<sup>2</sup> نگاه شاعر جاهلی به زن، نگاهی مادی و حسی است. او همانگونه که به وصف شتر یا اسب خود می‌پردازد، محبوب خود را توصیف می‌کند و در این توصیف، بیشتر از اسلوب تشبیه استفاده می‌کند.<sup>3</sup>

مشهورترین موضوع‌های شعر در این دوره وصف، مدح، رثا، هجا، فخر، غزل، خمر، زهد و حکمت است.<sup>4</sup> غزل جاهلی همان وصف زن، سخن گفتن با او، ستودن دوستان و گریه بر اطلاق و آثار برجای مانده از محبوب است. غزل جاهلی دو نوع است:

1. حضری: همان غزل مادی و گاهی اباحی است و تصویری از دنیای غیر اخلاقی شاعر را نشان می‌دهد. این نوع غزل، در شعر بیشتر شاعران جاهلی مشاهده می‌شود.

2. بدوی (یا عقیف): که حاکی از سوز و گداز عاشق است و شاعران کمی از آن در شعر خود استفاده می‌کنند.<sup>5</sup>

با شروع عصر اسلامی (132-1 ه.ق) تحول بزرگی در معانی و مفاهیم ادبیات عرب رخ داد؛ قرآن کریم افق‌های جدیدی فراروی همگان گشود و گسترش دولت اسلامی و در نتیجه ارتباط عرب‌ها با ملت‌های دیگر باعث رشد و رونق فرهنگی و اقتصادی شد. در صدر اسلام شعر و ادبیات به خدمت دین درآمد و بیشتر شاعران آن دوره مخضرمین (شاعری که دو دوره جاهلی و اسلام را درک کرده) بودند که با ظهور اسلام به سه گروه تقسیم شدند: گروهی از ایشان با دیدن قرآن کریم و بلاغت آن، شعر را رها کردند. گروهی دیگر با تأثیرپذیری از مفاهیم عمیق اسلامی، مفاهیم و موضوعات شعری خود را تغییر دادند و دسته سوم به همان روش سابق جاهلی شعر می‌سرودند.<sup>6</sup>

در زمان خلفای راشدین و امویان، اگرچه روح اسلامی در شعر سایه افکند،<sup>7</sup> ولی قدرت‌های حاکم و در پی آن مردم، مفتون شعر و ادب جاهلی بودند و از آن پیروی می‌کردند.<sup>8</sup> بنابراین در کنار اغراض جدید شعری مانند شعر سیاسی، شعر فتوح، شعر شعوبیه و... غرض‌های شعر جاهلی مانند مدح، هجا، فخر، غزل و... نیز ادامه یافت. البته باید به این نکته توجه داشت که غزل در این دوره به شکل قالبی مستقل درآمد و همچون دوره جاهلی به دو بخش عقیف و اباحی تقسیم شد. بنابراین، تصاویر زن در شعر این دوره تفاوتی با دوره جاهلی نداشت و از حد وصف و تشبیه‌های حسی فراتر نمی‌رفت.

دوره عباسی (656-132 ه.ق) که اوج شکوفایی ادبی عرب است، شعر سیاسی و حماسی

ضعیف شد و موضوع‌های جدید شعری مانند شعر فلسفی، صوفی، تعلیمی، قصصی و... پدیدار شد و اشعار حکمی عمق بیشتری پیدا کرد و ابتذال نیز در غزل افزایش یافت.<sup>9</sup> برخی از شاعران این دوره مانند بشاربن برد (168-96 هـ) و ابونواس (198-145 هـ) غزل و توصیفشان از زن، از دایره محسوسات فراتر نمی‌رفت. برخی دیگر نیز مانند ابوالعتاهیه (210-130 هـ) پا از حد عفت بیرون نهند.

در این دوره، افزون بر توصیف جمال ظاهری زن، گاه مسائلی مانند برتری خرد مرد بر زن نیز در شعر به تصویر کشیده می‌شد. متنبی (354-303 هـ) شاعر نامدار عرب در رثای خواهر سیف الدوله چنین می‌سراید:

و إِنْ تَكُنْ خُلِقْتَ أَنْتَى لَقَدْ خُلِقْتَ كَرِيمَةً غَيْرَ أَنْتَى الْعَقْلِ وَالْحَسَبِ<sup>10</sup>  
یعنی، اگر چه خلقت او (خواهر سیف الدوله) به شکل زن است، ولی او کریم است. از نظر خرد و نژاد در زمره زنان محسوب نمی‌شود.

این عبارت بیانگر دیدگاه شاعر به زن و کم‌مرتبه دانستن خرد جنس مؤنث نسبت به جنس مذکر است. در عصر انحطاط (1220-656 هـ) نوآوری در شعر و ادبیات کاهش یافت و شعر صورتی تقلیدی از دوران گذشته بود؛ افزون بر این شاعران در به کار بردن صنایع ادبی زیاده‌روی می‌کردند و کاربرد الفاظ عامیانه و کلمات غیر عربی نیز در شعر رواج یافت. مدح نبوی یکی از موضوعات شایع در این دوره به‌شمار می‌آید.<sup>11</sup> به دلیل جو حاکم و نابسامانی‌های اجتماعی، دیگر مجالی برای لهو و لعب و پرداختن به غزل اباحی<sup>12</sup> نمانده بود.

### عصر نهضت یا دوره معاصر

ادبیات عرب که در عصر انحطاط راکد شده بود، با ظهور عصر نهضت در همه زمینه‌ها متحول شد. عصر نهضت (عصر معاصر) با حمله ناپلئون به مصر (1798م) و به دنبال رویارویی متقابل سیاسی - فرهنگی غرب و شرق (به ویژه در لبنان و مصر)<sup>13</sup> پدید آمد. مهم‌ترین گرگونی‌های اجتماعی که منجر به تحول نهضت فکری و ادبی در جهان عرب شد، عبارتند از:

1. تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها و ارسال گروه‌های دانشجویی به کشورهای اروپایی؛
2. انتشار روزنامه و نشریه در نتیجه تأسیس چاپخانه و انتشار اولین روزنامه در مصر (1828م) به نام الوقائع المصریه؛

3. برپایی مجامع علمی و ادبی برای تبادل آرا و افکار؛
  4. تأسیس کتابخانه؛
  5. ترجمه کتب از زبان‌های دیگر به زبان عربی؛<sup>14</sup>
  6. ظهور مستشرقین (اگرچه برخی از مستشرقین در خدمت استعمار بودند، ولی برخی به حق در اعتلای فرهنگ و تمدن زبان و ادبیات عرب تأثیر زیادی داشتند)؛<sup>15</sup>
  7. اهتمام عرب به فرهنگ و ادب قدیم؛
  8. جنبش‌های بیداری و تأثیر سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده و شاگردانش.<sup>16</sup>
- به دنبال این تحولات اجتماعی در جامعه عربی، کم‌کم مسایل و موضوع‌های جدیدی چون ملی‌گرایی، میهن‌دوستی، آزادی از بند استعمار، لزوم تعلیم و تربیت زنان، مشارکت زنان در جامعه، مسئله حجاب زن و... به وجود آمد و بازتاب آنها در ادبیات عرب پدیدار شد.

### نگاه به زن در جامعه عربی معاصر

در نیمه دوم قرن نوزدهم، دیدگاه‌های جدیدی درباره مسایل اجتماعی پدید آمد و متجددان، مسایل اجتماعی را با مباحث دینی درآمیختند و ندای رهایی از رسوم و تقلید کورکورانه را سردادند. در این دوره زنان، به دلیل اجتهادهای دینی نو، برای نخستین بار به دفاع از خود برخاستند و البته محتاطانه گام برداشتند. برخی زنان، در برابر این جریان ایستادند و در کنار طیف‌های گسترده‌ای از مردان سنتی، با مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مخالفت کردند. در همین دوره بود که مجله‌های زنان انتشار فراوان یافت. بیشتر این مجلات چهل‌گانه در لبنان به چاپ می‌رسید و بیشتر نویسندگان و سردبیران زن این نشریه‌ها، مسیحی و شیفته تمدن غرب بودند. از دیگر دستاوردهای نواندیشی دینی در این دوره، دفاع شاعران از حقوق زن بود.<sup>17</sup>

یکی از موضوع‌های مهم این دوره، کشف حجاب زن بود؛ چراکه برخی از اندیشمندان عرب بر این باور بودند که زنان باید همچون مردان در امور اجتماعی شرکت کنند و حجاب مانع این حضور است، ولی جرأت بیان نظر خود را نداشتند؛ زیرا حجاب مفهوم عمیقی بود که ریشه در باورهای دینی مردم داشت و مقابله با آن کار ساده‌ای نبود.

نخستین کسی که ندای آزادی زنان را آشکارا سر داد، قاسم امین (1865-1908م) بود. او پس از گذراندن تحصیلات دبیرستان در مصر، برای ادامه تحصیل در رشته حقوق به فرانسه

رفت و چهار سال در آنجا بود. او در این مدت مترجم ویژه محمد عبده در پاریس بود. قاسم امین پس از اتمام تحصیلاتش به مصر بازگشت و به وکالت پرداخت. شهرت او به خاطر حمایتش از زنان و مقاله‌هایی است که در این باره نوشته است.

دعوت احمد امین به بی‌حجابی در اولین مقالاتش به چشم نمی‌خورد، بلکه او خواهان پیشرفت و ترقی جامعه مصری بر اساس فرهنگ و تمدن اسلامی است. وی در اصلاح جامعه از طرفداران شیخ محمد عبده است و معتقد است بسیاری از عادت‌های رایج چون حجاب، در دین اسلام نیست.

امین بیان می‌کند که در شریعت، نصی درباره وجوب حجاب وجود ندارد. او حجاب را عادت می‌داند که مسلمانان از برخی ملت‌ها گرفتند و آن را نیکو شمرده، لباس دین به آن پوشاندند. در واقع حجاب در نظر او جنبه اجتماعی دارد، نه دینی و اعتقاد دارد یکی از دلایل عقب‌ماندگی مسلمانان، تفسیر نادرست ایشان از دین است.

از کتاب‌های معروف او در این زمینه *تحریر المرأة و المرأة الجديدة* است که جنجال‌های فراوانی را در جهان اسلام و عرب برانگیخت و انجمن‌ها و تشکل‌های موافق و مخالف او پدیدار شدند. **دکتر محمد عماره**، گردآورنده آثار قاسم امین می‌نویسد:

هنگامی که قاسم امین *تحریر المرأة* را (سال 1899 م) منتشر کرد، در جامعه مصر و جوامع شرقی غوغا و هیاهوی عظیمی به پا کرد. گویی این کتاب در قرنیه که ظهور کرد، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنگ فکری و مناقشات نظری را در شرق به راه انداخت.<sup>18</sup>

قاسم امین در کتاب *تحریر المرأة* عقاید و نظریه‌هایش را (که بیشتر از تأثیر تعالیم شیخ محمد عبده تأثیر پذیرفته است) درباره آزادی و حقوق زن بیان کرده و آن مسایل را متأثر از جنبش زن اروپایی و عقاید نویسندگان آن، به رشته تحریر در آورده است.

از مشهورترین کسانی که در محافل دینی، نسبت به این کتاب موضع‌گیری مثبت یا آرامی داشتند - که در اقلیت‌اند - شیخ محمد عبده (1849-1905) و شیخ محمد رشید رضا (1865-1935) مدیر و صاحب امتیاز *مجله المنار* است. این مجله در بحث و بررسی‌های خود از کتاب قاسم امین، بارها آن را ستوده و مکرر در ستایش آن قلم زده و این اثر را با آثاری چون *رسالة التوحید* شیخ محمد عبده هم‌تراز کرده است.<sup>19</sup>

مباحث مربوط به زن، حضور او در اجتماع و نوع پوشش او، از مصر به دیگر جوامع عربی نفوذ کرد و تضارب آرا در کشورهای عربی به وجود آورد.

برخی همچون نظیره زین‌الدین (1908-1976) از لبنان، با تألیف کتاب *السفور و الحجاب* در 1928م از کشف حجاب زن دفاع کرد. به باور او حجاب، نیمی از جمعیت امت را ناتوان می‌کند. وی کشف حجاب را به پیشرفت و تمدن ربط داده، می‌گوید: «ملت‌هایی که حجاب را کنار نهاده‌اند»، در امور فکری و مادی پیشرفت کرده‌اند، اما ملل پایبند به حجاب، چنین پیشرفتی را نداشته‌اند».<sup>20</sup>

برخی دیگر به رد نظر قاسم امین پرداختند و مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه نوشتند. از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در رد نظر قاسم امین نوشته شدند، عبارتند از: *تربیه المرأة و الحجاب* تألیف محمد طلعت حرب؛ *خلاصة الأدب*، تألیف حسین الرفاعی، *رسالة الفتی و الفتاة*، تألیف عبد الرحمن الحمصی، *نظرات فی السفور و الحجاب*، تألیف مصطفی الغلابینی.

سؤال مهمی که به ذهن می‌رسد این است که چرا نظریات قاسم امین باعث چنین جنجال‌هایی شد؟ چرا او از اولین کسانی است که ندای آزادی زنان را سر داده است؟

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن شیوه و روش قاسم امین در بیان اندیشه‌هایش بود، زیرا تجربه جوامع عربی و اسلامی ثابت کرده است مسایل زنان به چاره جویی‌های آرام و تدریجی و روبه‌رشد نیاز دارد. قاسم امین به سبب شتاب‌زدگی در انتقال افکار خویش درباره مسایل زنان، دچار رویارویی و برخورد شد. او در *المصريون* از حجاب زن دفاع می‌کند، اما در *تحریر المرأة* آن را تقیید و محدود به شریعت اسلامی نشان می‌دهد. سپس در *المرأة الجديدة* از زن غربی دفاع می‌کند.

به نظر دکتر رضوان السید، شیخ رشید رضا گرچه از *تحریر المرأة* ستایش کرد، پس از چاپ *المرأة الجديدة* سکوت کرد و مطلبی درباره خوب بودن و یا بد بودن کتاب نگفت. وی کمی پیش از وفات، کتاب *نداء للجنس اللطیف* را در اوایل 1934 منتشر کرد که رد نوشته‌های سی سال قبل امین بود.<sup>21</sup>

با بررسی آثار معاصر عربی می‌توان به این نتیجه رسید که برخی از نویسندگان عرب تلاش می‌کنند نقد و تفسیری کاملاً منفی از پدیده حجاب ارائه دهند، تا ایستادگی سرسختانه خود بر



ضد حجاب را توجیه کنند. ایشان بر این باورند که حجاب مانعی برای پیشرفت و تمدن زنان است. این گروه بیشتر در کشورهای غربی تحصیل کرده، یا از فرهنگ غربی تأثیر گرفته‌اند. برای مثال، عنوان پایان نامه دکترای منصور فهمی (1886-1959) در دانشگاه سوربن فرانسه در سال 1913 *احوال المرأة فی الاسلام* بود که به زبان فرانسه نگاشت. وی حجاب آن زمان زنان عرب (بعد از اسلام) را از دستاوردهای منفی خلافت عمر بن خطاب می‌شمارد. نویسنده، فتوحات اسلامی، نظام برده‌داری و طبقاتی اجتماعی، تعدد زوجات و استبداد در کشورهای اسلامی را عوامل انحطاط وضعیت زنان می‌داند؛ عواملی که مقدسند و حتی از چرایی آنها نباید پرسید.

وی، در پایان کتاب می‌نویسد: «اگر به آنچه در جهان اسلام رخ می‌دهد، نظر افکنم، ناچار می‌شوم در برابر قاسم امین که سرتاسر زندگی خود را وقف مسئله زنان کرد، سر تعظیم فرود آورم».<sup>22</sup> برخی دیگر از نویسندگان و اندیشمندانی که به بیان نگرانی خود از پیامدهای بی‌حجابی پرداختند، معتقد بودند آموزش و تعلیم زنان، احترام به حقوق آنان، کار و مشارکت ایشان در اجتماع، باعث رشد و پیشرفت جوامع می‌شود و حجاب مانعی در این زمینه نیست، بلکه اسباب رشد و گسترش سریع‌تر جامعه را فراهم می‌آورد و مانع سقوط جامعه در گرداب فساد و بی‌بندباری می‌شود. ایشان معتقد بودند دیدگاه اسلام نسبت به زنان، دیدگاهی دربردارنده کرامت انسانی زنان و احترام به حقوق ایشان است، ولی گذشت زمان و بازگشت اعراب به سنت‌های جاهلی، باعث تغییر جایگاه زن در جامعه شد. بنابراین، اکنون باید به اسلام حقیقی بازگشت و در پرتو آن راه نجات را یافت.

برای مثال عبدالحسین ازری (1881-1954م) شاعر عراقی، در قصیده‌ای با عنوان «الکتاب و الحجاب»<sup>23</sup> زن عراقی را خطاب قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که مشکل عقب‌ماندگی زن مسلمان با بی‌حجابی حل نمی‌شود، بلکه بی‌حجابی بر مشکلات او می‌افزاید و او را از پیشرفت بازمی‌دارد.

لا يَخْدَعَنَّكَ شَاعِرٌ بِخِيَالِهِ	إِنَّ الْخَيْلَ مَطِيَّةُ الشُّعْرَاءِ
حَصَرُوا عِلَاجَكَ بِالسُّفُورِ وَ مَا دَرُوا	إِنَّ الَّذِي وَصَفُوهُ عَيْنُ الدَّاءِ
أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ الْفِتَاةَ بَطْبِئُهَا	كَالْمَاءِ لَمْ يَحْفَظْ بَعِيرٍ إِنْاءِ
وَ مَنْ يَكْفُلُ الْفَتِيَاتِ بَعْدَ بُرُوزِهَا	مِمَّا يَجِيئُ بِخَاطِرِ السُّفْهَاءِ

وَمَنْ الَّذِي يَنْهَى الْفَتَى بِشَبَابِهِ      عَنْ خَدَعِ كُلِّ فَرِيدَةٍ حَسَنَاءِ

یعنی، شاعر با خیالش تو را گمراه نسازد؛ زیرا که خیال، مرکب شعراست. [شعرا] راه چاره تو [را] منحصر در بی‌حجابی دیدند و نفهمیدند که راه چاره آنان، عین درد و بیماری است. یا اینکه نفهمیدند که طبیعت دختران مانند آبی است که تنها ظرف، آن را حفظ می‌کند. کیست که دختران را پس از عریان بیرون آمدن حفظ کند از آنچه فکر سفیهان را آشفته می‌کند؟ و کیست که جوانان را در جوانی باز دارد از فریب هر مروارید زیبارویی؟  
در پایان می‌گوید که حجاب هرگز مانع پیشرفت و ترقی نیست و دانش بر شکل و لباس مخصوص استوار نمی‌ماند.

لَيْسَ الْحِجَابُ بِمَانِعٍ تَعْلِيمِهَا      فَالْعِلْمُ لَمْ يُرْفَعْ عَلَى الْأَزْيَاءِ

دکتر محمد علی آذرشب درباره رویارویی مدافعان حجاب و طرف‌دارن بی‌حجابی و تأثیر این دو گروه بر ادبیات عربی چنین می‌نویسد:

یر واضح است که زن در جهان اسلام، به هنگام سقوط کشورهای اسلامی به دست اشغالگران غربی، در شرایطی بسیار اسفبار به سر می‌برد. البته مرد نیز در وضع بهتری نبود، اما در شرایط عقب‌افتادگی اجتماعی، معمولاً به زن بیش از مرد ظلم و ستم می‌شود.

ناگفته پیداست که در شرایط دگرگونی‌های عظیم اجتماعی جهان معاصر، زن مسلمان دیر یا زود باید از آن وضع اسفناک رهایی یابد و آموزش ببیند و همراه مرد در سازندگی اجتماعی فعالیت کند. چه خوب بود اگر صدای آزادی زن ابتدا از دهان مصلحان مسلمان خارج می‌شد تا این آزادی در جهتی اصیل و صحیح قرار می‌گرفت و به خدمت شخصیت امت و استقلال فکری و فرهنگی آن درمی‌آمد. اما متأسفانه این فریاد، نخستین بار از زبان غرب‌زدگان شنیده شد؛ همان‌ها که زن غربی را نمونه‌ای والا و الگویی برای زن مشرق زمین که نیاز به آزادی داشت می‌دانستند. از این رو، دعوت به آزادی زن در جهان اسلام توأم با بی‌حجابی بود. در مقابل، طرف‌داران اصالت به دفاع از حجاب پرداختند و رویارویی میان طرفداران بی‌حجابی و بی‌بندوباری و مدافعان حجاب آغاز شد. حاصل این رویارویی، خلق آثار ادبی فراوان بود.<sup>24</sup>

## زن در شعر شاعران معاصر عرب

شاعران معاصر مانند شاعران سده‌های گذشته اشعار خود را در قالب غزل سروده‌اند و جمال و زیبایی زن را در شعر نشان می‌دهند. **محمود سامی البارودی (1322-1255 هـ)** شاعر مصری، غزل‌هایش را به شیوه قدما سروده است. او بر اطلال می‌ایستد و به یاد یار سفر کرده می‌گرید و از نجد و تپه‌های رمل و حیوان صحرا و آثار خانه محبوب و باران و برق سخن می‌گوید و تشبیه‌های شعر جاهلی در مورد زن در شعرهایش رواج دارد.<sup>25</sup>

تغییر و تحول اوضاع اجتماعی و سیاسی دوره معاصر موجب شد شاعران نیز به تکاپو بیفتند و از بند توصیف زن به شیوه گذشتگان رهایی یابند و به بیان مسایل جدید و حمایت از حقوق زنان پردازند. در این دوره اعتراض شاعران به نابرابری حقوق زنان و مردان نمود بیشتری یافته، دین و مسایل دینی، از دغدغه‌های اساسی این شاعران شده است. آنان به بیان مشکلات برآمده از نابرابری حقوق زنان و دفاع از آن پرداخته‌اند.

البته توجه به این نکته ضروری است که اگرچه جایگاه اجتماعی زن و نوع پوشش او در تمام کشورهای عربی تقریباً شبیه هم بود، در نقاط مختلف با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی شدید و ضعیف می‌شد. برای نمونه اوضاع زنان را در جامعه عراق از زبان **یوسف عزالدین، ناقد عراقی، نقل می‌کنیم:**

جایگاه زنان در جامعه از معیارهای سنجش رشد فکری و فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شود، با توجه به ناامنی‌های حاکم بر جامعه عراق [اواخر قرن نوزدهم] زنان در محیط خانه زندانی می‌شدند و تنها در روز و مشروط به همراهی با شخص دیگری اجازه خروج از منزل را داشتند. همچنین زن می‌بایست عبای بلندی که تمام بدن او را بپوشاند بر تن می‌کرد و نیز مقنعه‌ای می‌زد که صورتش را کاملاً بپوشاند و با این اوصاف زنان همچنان حق رفت و آمد به اماکن عمومی مثل قهوه‌خانه را نداشتند. آنان همچنین حق تکلم با هیچ مردی به جز محارم خود را نداشتند و گاهی مردان چنان متعصبانه برخورد می‌کردند که تحت هیچ شرایطی اجازه خروج از منزلشان را به زنان نمی‌دادند و این موضوع را از مفاخر خود می‌شمردند و مردان حتی از بردن نام مادر، همسر یا خواهرشان نزد مرد غریبه ابا می‌کردند.<sup>26</sup>

در چنین شرایطی، ادیبان کشورهای عربی به پاخواستند و مسایل اجتماعی زنان را در اشعار خود بیان کردند. افزون بر این مسایل، برخی از شاعران مانند احمد شوقی، جمیل صدقی الزهاوی و معروف الرصافی، ضمن بیان لزوم تعلیم و تربیت زنان، رهایی آنها از حجاب و پوشش را می‌خواستند. برخی دیگر مانند عائشه التیموری آزادی زن را در پرتو حجاب و عفاف تبیین می‌کنند و برخی دیگر مانند حافظ ابراهیم موضعی میانه نسبت به حجاب دارند و بر این باورند که سخت‌گیری و آزادی مطلق هر دو موجب فساد است.

### نمونه‌هایی از توصیف زن در شعر شاعران معاصر عرب

در این دوره شاعرانی مانند حافظ ابراهیم (1278-1351 هـ) مسایل روز جامعه را در شعر خود بارتاب می‌دهند و تعلیم و تربیت زنان را امری مهم و اجتناب‌ناپذیر می‌شمارند. حافظ ابراهیم در قصیده «مدرسة البنات»<sup>27</sup> دیدگاه خود را درباره زن بیان می‌کند و علت عقب‌ماندگی شرق از غرب را ناآگاهی زنان و تربیت ناصحیح آنان می‌داند.

مَنْ لِي بِتَرْبِيَةِ النِّسَاءِ فَإِنَّهَا فِي الشَّرْقِ عِلَّةٌ ذَلِكَ الْإِخْفَاقِ

حال ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند که علت عقب‌ماندگی شرق چه ارتباطی به

ناآگاهی زنان جامعه دارد؟ شاعر خود به روشنی پاسخ این پرسش را می‌دهد و می‌گوید:

الْأُمُّ مَدْرَسَةٌ إِذَا أَعَدَّدَتْهَا أَعَدَّدَتْ شَعْبًا طَيِّبَ الْأَعْرَاقِ

الْأُمُّ رَوْضٌ إِنْ تَعَهَّدَهُ الْحَيَا بِالرِّيِّ أَوْرَقَ أَيْمًا إِيرَاقِ

الْأُمُّ أُسْتَاذُ الْأَسَاتِيزَةِ الْأُولَى شَعَلَتْ مَأْتَرُهُمْ مَدَى الْأَفَاقِ

بنابراین او جایگاه زن در جامعه را به خوبی تبیین می‌کند و بر این باور است که آموزش و تربیت زنان در جامعه نخستین و ضروری‌ترین گام برای رسیدن به پیشرفت و ترقی است؛ زیرا اگر دختران و زنان امروز که مادران فردای جامعه‌اند به خوبی تربیت شوند و علم و ارزش‌های اخلاقی در آنها نهادینه شود، در آینده جامعه‌ای متعهد خواهیم داشت. شاعر، این مسئله را با تشبیهی ملموس به خوبی روشن می‌سازد و می‌گوید: همان‌گونه که باغ برای دادن محصول خوب و پربار، نیاز به نگهداری و مراقبت و آبیاری دارد، زن نیز در صورتی که آموزش صحیح ببیند، نتایج درخشانی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. او منزلت و جایگاه زن را بسیار بلند و والا ترسیم می‌کند و معتقد است مادر، اولین استاد استادانی است که فضایل ایشان

سراسر آفاق را فرا گرفته است.

اکنون که لزوم تعلیم و تربیت زنان به خوبی روشن شد، این مسئله مهم مطرح می‌شود که حضور زنان در جامعه چگونه باید باشد؟ آیا حجاب مانعی برای حضور او در جامعه است؟ شاعر به این مسأله نیز پاسخ داده است و می‌گوید:

أَنَا لَا أَقُولُ دَعُوا النِّسَاءَ سَوَافِرًا      بَيْنَ الرِّجَالِ يَجُلْنَ فِي الْأَسْوَاقِ  
يَدْرُجْنَ حَيْثُ أُرْدَنَ لَا مِنْ وَازِعٍ      يَحْذَرْنَ رِقَبَتَهُ وَلَا مِنْ وَاقِي  
يَفْعَلْنَ أَفْعَالَ الرِّجَالِ لَوَاهِيًا      عَنِ وَاجِبَاتِ نَوَاعِسِ الْأَحْدَاقِ

مضمون شعر چنین است که آنچه درباره حضور اجتماعی زن گفته شد، به معنی بی‌حجابی او نیست و من نمی‌گویم زنان را بی‌حجاب در میان مردان رها سازید تا در بازارها و اماکن عمومی حاضر شوند، بدون اینکه قید و مانعی برای آنها باشد و به انجام کارهای مردانه پردازند در حالی که از وظایف اصلی خود بازمانده‌اند. بلکه اهمیت حضور زن در خانه کمتر از حضور مرد در جامعه نیست؛ چراکه وظایف سنگین و بیشماری در خانه بر عهده زن است و اهمیت حضور زن در خانه و انجام امور منزل به دست او مانند حضور مرد در صحنه نبرد است؛ یعنی همان‌گونه که حضور مرد در جبهه‌ها اجتناب‌ناپذیر است، حضور زن در خانه نیز ضروری است؛ زیرا اصل و مبنای حضور زن در جامعه، آمادگی بیشتر او برای تربیت نسل جدید است نه فراموشی این اصل و فقط حاضر شدن در اجتماع.

در پایان شاعر معتقد است رفتار با زنان باید رفتاری متعادل و به دور از افراط و تفریط باشد؛ نه آن‌چنان افراطی که زنان همچون گنج و جواهر در نهان‌خانه منزل مخفی شوند و با کسی ارتباط نداشته باشند و در جمود فکری باقی بمانند و نه آن‌چنان تفریطی که بدون هیچ قید و بندی آزادانه به هر جا که تمایل دارند، بروند.

كَأَنَّكَ لَا تَدْعُوكُمْ أَنْ تُسْرِفُوا      فِي الْحِجْبِ وَ التَّضْيِيقِ وَ الْإِرْهَاقِ  
لَيْسَتْ نِسَاؤُكُمْ حُلِيًّا وَ جَوَاهِرًا      خَوْفَ الضَّيَاعِ تُصَانُ فِي الْأَحْقَاقِ  
لَيْسَتْ نِسَاؤُكُمْ أَنَاثًا يُقْتَنَى      فِي الدُّورِ بَيْنَ مَحَادِعِ وَ طِبَاقِ  
تَتَشَكَّلُ الْأَزْمَانُ فِي أَدْوَارِهَا      دَوْلًا وَ هُنَّ عَلَى الْجُمُودِ بَوَاقِ

آنچه در این میان مهم است، میانه‌روی است؛ زیرا آزادسازی بدون قید و بند و تحجر هر دو باعث شکست و ناکامی است و بهترین قید، نهادینه ساختن ادب و تربیت در بین زنان و

دختران است. و در آخرین بیت، شاعر به همگان سفارش می‌کند که دختران خود را آگاه سازید و آنان را به سوی خیر و هدایت راهنمایی کنید؛ زیرا نور هدایت زمانی که با عفاف و حیایی که دختران خود را به آن آراسته‌اند، همراه باشد، ایشان را از هر گمراهی و لغزشی مصون می‌دارد.<sup>28</sup>

فَتَسَّطُوا فِي الْحَالَتَيْنِ وَأَنْصَفُوا	فَالشَّرُّ فِي التَّقْيِيدِ وَالْإِطْلَاقِ
رَبُّوا الْبَنَاتِ عَلَى الْفَضِيلَةِ إِنَّهَا	فِي الْمَوْقِفَيْنِ لَهُنَّ خَيْرٌ وَثَاقِ
وَعَلَيْكُمْ أَنْ تَسْتَبِينَ بَنَاتِكُمْ	نُورَ الْهُدَى وَعَلَى الْحَيَاءِ الْبَاقِي

احمد شوقی (1285-1351 هـ) از شاعرانی است که جایگاه زن را در جامعه بارزش می‌داند و بر این بارو است که تربیت زنان در رشد و شکوفایی جامعه نقش مهم و مؤثری دارد، همان‌گونه که ناآگاهی ایشان ریشه بسیاری از مشکلات است. او در قصیده «العلم و التعليم و واجب المعلم»<sup>29</sup> می‌گوید:

و إِذَا النِّسَاءُ نَشَأْنَ فِي أُمَّيَّةٍ	رَضَعَ الرَّجَالُ جَهَالَةً وَ خُمُولًا
لَيْسَ الْيَتِيمُ مَنْ انْتَهَى أَبَوَاهُ مِنْ	هَمِّ الْحَيَاةِ وَ خَلْفَاهُ ذَلِيلًا
إِنَّ الْيَتِيمَ هُوَ الَّذِي تَلَقَّى لَهُ	أُمًّا تَخَلَّتْ، أَوْ أَبًا مَشَعُولًا

یعنی؛ زمانی که زنان در جهل و بی‌فرهنگی رشد کنند، فرزندانشان نیز در جهل و نادانی پرورش می‌یابند. یتیم کسی نیست که پدر و مادرش را از دست داده، بلکه یتیم واقعی کسی است که مادرش او را رها ساخته و به تربیتش نپرداخته و پدرش نیز سرگرم امور مادی است و از فرزندش غافل است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
و در قصیده‌ای دیگر با عنوان «مصر تجدد نفسها بنسائها المتجددات»<sup>30</sup> بر لزوم تعلیم زنان و اقتدا به دین مبین اسلام اشاره می‌کند و معتقد است پیامبر اکرم (ص) هرگز حقوق زنان را نادیده نگرفته و تمدن بزرگ اسلامی نیز شاهد جایگاه رفیع زنان در عرصه علم و فرهنگ بوده است.

خُذْ بِالْكِتَابِ، وَ بِالْحَدِيدِ	سِ، وَ سِيرَةَ السَّلَفِ التَّقَاتِ
وَ إِرْجِعْ إِلَى سُنَنِ الْخَلِيءِ	قَةِ، وَ إِتَّبِعْ نُظْمَ الْحَيَاةِ
هَذَا رَسُولُ اللَّهِ، لَكُمْ	يَنْقُصُ حُقُوقَ الْمُؤْمِنَاتِ
الْعِلْمُ كَانَ شَرِيعَةً	لِنِسَائِهِ الْمُتَفَقِّهَاتِ

رُضْنُ التَّجَارَةِ وَالسِّيَا	سَةَ، وَالشُّنُونَ الْأَخْرِيَاتِ
وَلَقَدْ عَلَتْ بَيْنَاتِهِ	لُحَجَّ الْعُلُومِ الزَّاحِرَاتِ
وَحِضَارَةُ الْإِسْلَامِ تَنْ	طِقُ عَنْ مَكَانِ الْمُسْلِمَاتِ

همچنین او در قصیده‌ای مسئله آزادی زن از حجاب را مطرح می‌کند و می‌گوید:<sup>31</sup>

قُلْ لِلرِّجَالِ طَعَى الْأَسِيرِ	طَيْرُ الْحِجَالِ مَتَى يَطْيَأَرُ؟
أَوْ هِيَ جَنَاحِيهِ الْحَدِيدِ	دُ، وَ حَزَّ سَاقِيهِ الْحَرِيرِ
ذَهَبَ الْحِجَابُ بِصَبْرِهِ	و أَطَالَ حَيْرَتَهُ السُّفُورِ
وَهَلْ إِسْتَمَرَ بِهِ الْجِنَا	حُ، وَ هَمَّ بِالنَّهْضِ الشُّكْرِ؟
أَوْ كُلُّ مَا عِنْدَ الرَّجَا	لِ لَهْ الْخَوَاطِبُ وَالْمُهُورِ؟
وَالسَّجْنُ فِي الْأَكْوَاخِ، أَوْ	سَجْنٌ يُقَالُ لَهَا الْقُصُورِ؟
حُرِّيَّةٌ خُلِقَ الْإِنْسَانَا	ثُ لَهَا، كَمَا خُلِقَ الذُّكُورِ

یعنی؛ به مردان بگو که اسیر طغیان شده. پرنده در بند چه زمانی به پرواز در می‌آید؟ بال‌های آهنی او سست شده و ساقه نرم و لطیفش را تکان داده. حجاب، صبر و قرار او را برده و دیر زمانی است که بی‌حجابی او را متحیر ساخته. آیا بال‌های کوچکش توان برخاستن و ادامه دادن راه را دارند؟ آنگاه با تمسخر می‌پرسد: زندان در خرابه‌هاست، یا آیا آن زندانی است که قصر نامیده شده؟ .... و همان‌گونه که آزادی، حق مردان است، زنان نیز از این آزادی بهرمنندند.

در بخش دیگری از همین قصیده، از باورهای قاسم امین، منادی آزادی زن سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: ای قاسم، تحولات فکر عربی را مشاهده کن و ببین که سخنان تو مانند مثل، همه جا منتشر شده است و این قضیه مسئله‌ای جدید نیست، بلکه ریشه‌ای محکم و استوار دارد:

يَا قَاسِمُ، أَنْظُرْ: كَيْفَ سَا	رَ الْفَكْرُ وَ إِنْتَقَلَ الشُّعُورُ
جَابَتْ قَضِيَّتُكَ الْبَلَا	دَ، كَأَنَّهَا مَثَلٌ يَسِيرُ
هَذَا الْبِنَاءُ الْفَخْمُ لِيْ	سَ أَسَاسُهُ إِلَّا الْحَفِيرُ

عائشه التیموری (1256-1289 هـ) از دیگر شاعران این دوره است که در شعرهایش همواره بر لزوم تعلیم و تربیت زنان همراه با حجاب و عفاف تأکید می‌کند. او از پیش‌گامان

نهضت بیداری زنان عرب است.<sup>32</sup> او معتقد است حجاب و عفات، باعث عزت زن است و داشتن حجاب کامل، از رشد زن جلوگیری نمی‌کند و ادب و تربیت، نه فقط آسیبی به منزلت زن نمی‌رساند، بلکه به رشد و شکوفایی بیشتر او کمک می‌کند. او در این باره در قصیده‌ای به نام «بید العفاف أصون عزّ حجابی»<sup>33</sup> می‌سراید:

و بعضمّی أسمو علی أترابی	بید العفاف أصون عزّ حجابی
نقّادة قدّ کملت آدابی	و بفکرّة وقّادة و قریحّة
ألا یکونی زهرة الألباب	ما ضرّنی أدبی و حُسنُ تعلّمی
سدل الخمار بلّمتی و نقّابی	ما عاقنی حجلي عن العلیا و لا
صعب السیاق مطامح الرکّاب	عن طیّ مضمار الرهان إذا اشتکت

و در جای دیگری از همین قصیده، تشبیه زیبایی از حجاب می‌آورد و می‌گوید: همان‌گونه که دریا، مروارید را درون خود جای داده و دست همگان از رسیدن به آن کوتاه است، حجاب نیز دربردارنده مروارید وجود زن است.

شاعت غرابته لدى الأعراب	ناهیک من سرّ مضمون کنهه
عن مسّها شلت يد الطلّاب	أو کالبحار حوت جواهر لؤلؤ

جمیل صدقی الزهاوی (1863-1936 م)<sup>34</sup> شاعری عراقی است که مسایل اجتماعی را نیز در شعر خود مطرح کرده و نظریه‌های فراوانی درباره زن دارد. برای نمونه او با حجاب مخالف است و باور دارد که حجاب مانع پیشرفت زن است. او در قصیده‌ای به نام «الحجاب و السفور» می‌گوید:

أسفري فالحيّة تبغي إنقلابا	مزّقي يا ابنة العراق الحجابا
فقدّ كان حارساً كذاباً <sup>35</sup>	مزّقيه و احرقيه بلا ريث

در جای دیگر، علت عقب‌ماندگی شرق را مطرح کرده، بر این باور است که مردم در شرق سرگردان و گمراه‌اند و به زندگی بهایی نمی‌دهند و رعایت حقوق دیگران را بی‌ارزش می‌شمارند؛ مردان (در شرق) می‌پندارند آزار و اذیت زنانشان مجاز است و زن مانند متاعی بدون روح و عاطفه به مرد اختصاص دارد. حال اگر خوب بنگریم، خواهیم دید همه این مسایل ناشی از جهل و کوتاه‌فکری است؛ زیرا زن در دنیای معاصر نقش مهمی ایفا می‌کند و در شکوفایی فرهنگ و تمدن مؤثر است.



النَّاسُ فِي الشَّرْقِ ضَلُّوا	سَبِيلَهُمْ وَ أَضَلُّوا
وَ بِالْحَيَاةِ اسْتَحَفُّوا،	وَ بِالْحُقُوقِ أَحَلُّوا
ظَنَّ النِّسَاءَ رِجَالًا	صِنْفًا أَذَاهُ يَحِلُّ
وَ أَتَهَنَّ مَسْتَعًا	لَهُمْ، مِنْ النَّفْسِ يَخْلُو
وَ كُلُّ ذَلِكَ مِنْهُمْ،	إِذَا تَأَمَّلْتَ جَهْلُ
لِلْمَرْأَةِ الْيَوْمَ فِي	مَجْلِسِ الْقَضَاءِ مَحَلُّ
لِلْمَرْأَةِ الْيَوْمَ فِي	تَحْسِينِ الْحِضَارَةِ فَضْلُ <sup>36</sup>

معروف الرصافی (1875-1945 م)،<sup>37</sup> شاعر عراقی نیز معتقد است زن عرب، زنی ستم‌دیده و محروم از دانش و ادب است. او بر آزادی زن در جنبه‌های مختلف اجتماعی تأکید می‌کند و در بعضی اشعارش به اصل حجاب، انتقادهای فراوانی کرده است.

او در قصیده «التربیة و الأمهات»<sup>38</sup> فرق میان زن عرب در دوره‌های گذشته با زن مسلمان دنیای امروز را بیان می‌کند. در این قصیده ابتدا بر لزوم تعلیم و تربیت زن اشاره می‌کند و می‌گوید: اخلاق و فضایل انسانی مانند گیاهی است که در صورت توجه و رسیدگی به ثمر می‌نشیند و وظیفه خطیر تعالی اخلاق در جامعه به عهده مادران است؛ زیرا دامن مادر مدرسه‌ای است که کودک در آن آموزش می‌بیند و کودکی که از چنین آموزشی محروم بوده است، نمی‌تواند مثل کودک باشد که در دامن مادری با فرهنگ پرورش یافته است؛ همان‌گونه که گیاه روییده در باغ هرگز شبیه گیاه روییده در بیابان نیست و ما نمی‌توانیم از کودکی که در دامن جهل پرورش یافته، انتظار دانش و ادب داشته باشیم.

هِيَ الْأَخْلَاقُ تُنْبِتُ كَالنَّبَاتِ	إِذَا سَقَيْتَ بِمَاءِ الْمَكْرُمَاتِ
تَقُومُ إِذَا تَعَهَّدَهَا الْمُرَبِّي	عَلَى سَاقِ الْفَضِيلَةِ مُثْمِرَاتِ
وَ لَمْ أَرِ لِلخَلَائِقِ مِنْ مَحَلِّ	يُهْدِبُهَا كَحِضْنِ الْأُمَمَاتِ
فَحِضْنُ الْأُمِّ مَدْرَسَةٌ تَسَامَتْ	بِتَرْبِيَةِ الْبَنِينَ أَوْ الْبَنَاتِ
وَ أَخْلَاقُ الْوَلِيدِ تُقَاسُ حُسْنًا	بِأَخْلَاقِ النِّسَاءِ الْوَالِدَاتِ
وَ لَيْسَ رَيْبُ عَالِيَةِ الْمَزَايَا	كَمَثَلِ رَيْبِ سَافِلَةِ الصِّفَاتِ
وَ لَيْسَ النَّبْتُ يَنْبْتُ فِي جَنَانِ	كَمَثَلِ النَّبْتِ يَنْبْتُ فِي الْفَلَاةِ
فَكَيْفَ نَظْنُ بِالْأَبْنَاءِ خَيْرًا	إِذَا نَشَأُوا بِحِضْنِ الْجَاهِلَاتِ

در ادامه بیان می‌کند که جایگاه زن در اسلام بسیار بالاست و در دوره اسلامی به مسأله تعلیم و تربیت زنان اهمیت فراوانی داده شده است، ولی امروز عرب متعصب به تحریف این حقیقت پرداخته و زن را از حقوقش محروم کرده است.

و قالوا شرعة الإسلام تفضي  
و قالوا إن معنى العلم شيء  
لقد كذبوا على الإسلام كذباً  
أليس العلم في الإسلام فرضاً

بتفضيل «الذين على اللواتي»  
تضييق به الصدور الغايات  
نزول الشم منه مزلزلات  
على أبنائه و على البنات

آنگاه نمونه‌هایی از مشارکت زنان در جامعه را در دوران گذشته بیان می‌کند و می‌گوید: ما در زمان گذشته زنان و دختران کاتب و شاعر داشتیم. زنان شجاعی داشتیم که دوشادوش مردان در میدان نبرد مبارزه می‌کردند و پشتیبانی محکم برای مردان بودند و آنان را در صحنه نبرد یاری می‌کردند و پرستاری مجروحان را برعهده داشتند، ولی در روزگار کنونی، جهل دختران، عفاف محسوب می‌شود و آنان در خانه محصور و محبوس‌اند و مجبورند همه گونه خواری را تحمل کنند. اگر مردان جاهلی، دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند، اکنون مردان متعصب عرب، زنان را پیش از مرگ به خاک می‌سپارند (دوری زن از تعلیم و اجتماع منجر به از بین رفتن ذوق و قریحه و تفکر زنان و در نهایت جمود فکری ایشان می‌شود که این، کمتر از مرگ و نابودی نیست).

ألم نر في الحسان الغيد قبلاً  
و قد كانت نساء القوم قدماً  
يكن لهم على الأعداء عوناً  
نرى جهل الفتاة لها عفافاً  
و نلزمهن فعر البيت فهراً  
لئن وأدوا البنات فقد قبرنا

أوانس كاتبات شاعرات  
يرحن إلى الخروب مع العزاة  
و يضمدن الجروح الداميات  
كأن الجهل حصن للفتاة  
و نحسبن فيه من الهنات  
جميع نساتنا قبل الممات

و در پایان بیان می‌کند که در صورت عفاف و ورزیدن مردان و تعلیم و تربیت صحیح ایشان، نیازی نیست زنان با حجاب در جامعه حضور یابند و مهم‌ترین شرط تهذیب زنان، تهذیب مردان است.

و لو عدمت طباع القوم لوما  
لما غدت النساء محجبات

و تَهْدِيْبُ الرِّجَالِ أَجْلُ شَرْطٍ  
و مَا ضَرَّ الْعَفِيفَةَ كَشْفُ وَجْهِ  
لِجَعْلِ نِسَائِهِمْ مُتَهَدَّبَاتٍ  
بِدَا بَيْنَ الْأَعْفَاءِ الْأُبَاةِ

ملک حفنی ناصف معرف به الباحثة البادية (1918-1886م)<sup>39</sup> از نخستین شاعران مسلمان مصری است که ندای آزادی حقوق زنان را سر می‌دهد. او در قصیده «أصلحوا فتياتکم و بناتکم»<sup>40</sup> می‌گوید: من مقالات فراوانی نوشتم و به نصیحت مردان پرداختم، ولی به نتیجه مطلوب نرسیدم. آنگاه خطاب به مردان عرب می‌گوید: آیا شنیدن دلیل‌های دخترانتان را که قلب مردم مشرق زمین را به لرزه درآورده، ناخوش می‌دارید؟ و آیا رشد فرزندانان در جهل و اسارت شما را خشنود می‌سازد؟ آیا از زنان و دخترانتان می‌خواهید بدون حجاب در مجامع عمومی حاضر شوند؟ اشکالی ندارد، ولی قبل از آن باید روح و جان خود را پاک و مطهر سازید؛ زیرا آنچه موجب ترس و وحشت زنان است، فساد طبع شماسست، نه کشف حجاب. زنان از کلام به ظاهر شیرین شما که دربردارنده مکر و حيله پنهانی است، می‌هراسند. نباید از حقیقت فرار کنید، بلکه به تهذیب و تربیت دختران و زنانان اهتمام ورزید و در رسیدن به آینده‌ای شایسته از یکدیگر سبقت بگیرید. زنان و امور مربوط به آنان را به خودشان واگذارید؛ زیرا انسان بدبخت خود باید راه سعادتش را پیدا کند.

أَعْمَلْتُ أَقْلَامِي وَ حِينًا مَنطِقِي  
أَيَسُوءُكُمْ أَنْ تَسْمِعُوا لِبَنَاتِكُمْ  
أَيَسُرُّكُمْ أَنْ تَسْتَمِرَّ بَنَاتِكُمْ  
هَلْ تَطْلُبُونَ مِنَ الْبَنَاتِ سَفُورَهَا؟  
لَا تَتَّقِي الْفَتَيَاتُ كَشْفَ وَجُوهِهَا  
تَخْشَى الْفَتَاةُ حَبَاتِلًا مَنصُوبَةً  
لَا تَطْفِرُوا بَلْ أَصْلِحُوا فِتْيَاتِكُمْ  
وَ دَعُوا النِّسَاءَ وَ شَأْنَهُنَّ فَإِنَّمَا  
فِي النُّصْحِ، وَ الْمَأْمُولُ لَمْ يَتَحَقَّقْ  
صَوْتًا يَهْزُ صَدَاهُ عَطْفَ الْمَشْرِقِ  
رَهْنِ الْإِسَارِ وَ رَهْنِ جَهْلِ مُطَبِقِ  
حَسَنٌ، وَلَكِنْ أَيْنَ بَيْنَكُمْ التَّقِيَّ  
لَكِنْ فَسَادُ الطَّبَعِ مِنْكُمْ تُتَّقَى  
عَشِيئَتُوهَا فِي الْكَلَامِ بِرَوْتِ  
وَ بَنَاتِكُمْ وَ تَسَابَقُوا لِلْأَلِيْقِ  
يَدْرِي الْخَلَاصَ مِنَ الشَّقَاوَةِ مَنْ شَقِيَّ

نزار قبانی (1923-1988م) شاعری معروف سوریه‌ای است که توصیف زن در اشعار او فراوان دیده می‌شود تا آنجا که او را «شاعر المرأة» نامیده‌اند. زن در اشعار او نمود ویژه‌ای دارد. او زن را گاهی زن و گاه معشوقی آرمانی و گاه در هیئت موجودی زیبا و شایسته دوستی ترسیم می‌کند.

به گفته یکی از ناقدان، او گاه جامه مرد به تن دارد و زمانی جامه زن؛ هنگامی که به وصف حالات عاشق می‌پردازد، مردی است شرقی، با تمام ویژگی‌های روحی و اخلاقی او و زمانی که جامه زن را می‌پوشد و در زیر پوست زن پنهان می‌شود، می‌کوشد از زبان زن حرف‌های او را بزند.<sup>41</sup> شاید بتوان گفت هیچ شاعری تاکنون نتوانسته مانند نزار قبانی به توصیف زن پردازد. این موضوع به شکل‌های مختلف (مدح، ذم، محبت، عشق،...) بخش زیادی از دیوان قبانی را در بر گرفته است. با این وجود تصویری که او، از زن نشان می‌دهد، تصویری حسی و بدون توجه به کرامت نفسانی زن است. او در «قصيدة البحرية»<sup>42</sup> چنین می‌سراید:

فِي مِرْفَأِ عَيْنَيْكَ الْأَزْرَقِ      در بندر چشم‌های کبود تو  
 أَمْطَارٌ مِنْ ضَوْءِ مَسْمُوعٍ      باران‌هایی از نور شنیدنی است  
 وَ شَمْسٌ دَائِحَةٌ وَقُلُوعٌ      و خورشیدهای ستمگر... و بادبان‌هایی  
 تَرَسُمُ رِحْلَتَهَا لِلْمُطَلِّقِ      که کوچ به سوی مطلق را ترسیم می‌کنند.

فِي مِرْفَأِ عَيْنَيْكَ الْأَزْرَقِ      در بندر چشم‌های کبود تو  
 يَتَسَاقَطُ ثُلُجٌ فِي تَمَّوزٍ      برف در تموز می‌بارد  
 وَمَرَاكِبُ حَبَلِي بِالْفَيْرُوزِ      و زورق‌هایی آکنده از فیروزه  
 أَغْرَقْتَ الْبَحْرَ وَ لَمْ تَغْرُقْ      که دریا را در خویش غرق کرده، ولی خود غرق نشده

فِي مِرْفَأِ عَيْنَيْكَ الْأَزْرَقِ      در بندر چشم‌های کبود تو  
 تَتَكَلَّمُ فِي اللَّيْلِ الْأَحْجَارِ      سنگ‌ها در شب سخن می‌گویند  
 فِي دَفْتَرِ عَيْنَيْكَ الْمُعْلَقِ      در دفتر چشم‌های رازدار تو  
 مَنْ حَبَّ آفَ الْأَشْعَارُ؟      کیست که هزاران ترانه نهفته است؟

با کمی تأمل روشن می‌شود که شاعر چه تصویر دقیقی از چشم‌های معشوق نشان داده است. او چشم‌های کبود و آبی‌رنگ محبوب را به بندر تشبیه کرده است و وجه شبه دل عاشق است که مانند کشتی در بندر چشم معشوق لنگر انداخته؛ چشمی که همانند خورشید از خود نور و روشنی می‌تاباند. خورشیدهای ستمگر، استعاره از چشم معشوق است. گونه سرخ محبوب

مانند بیابانی است که از شدت تابش خورشید تابان، گرم و پر حرارت است و اشک‌های محبوب مانند دانه‌های برف بر گونه‌های سرخ در تموز (فصل گرما) می‌بارند. آرایش آبی‌رنگ اطراف چشم محبوب، مانند قایق‌هایی آکنده از فیروزه‌اند که دریای آبی چشمان را احاطه کردند.

شاعر در نهایت مبالغه (دکتر شفیعی این فصل کتاب را «عاشقانه‌سرایی بی‌همتا» نام نهاده<sup>43</sup>) بندر چشمان معشوق را سخنگو پنداشته، البته نه خود بندر، بلکه سنگ‌های آن را که می‌تواند نماد خاموشی باشد) و نه در روز که در شب! آری سنگ‌ها در شب بندر چشم معشوق سخن می‌گویند. دفتر چشم معشوق هم که سرشار از رازهاست، خواندنی پنداشته شده است. شاعر در پایان با سرگشتگی می‌پرسد: «به راستی چه کسی (و یا چه چیزی، نکته‌ای، لطیفه‌ای) در چشم‌های تو پنهان است که هزار ترانه در خویش نهفته دارد، ترانه‌هایی دیدنی و شنیدنی با چشم و دل عاشق ...»

### نتیجه‌گیری

تصویر زن در شعر عرب از دوره‌های گذشته وجود داشته و بیشتر تصویری حسی و مادی بوده است، ولی در عصر نهضت، شاعران به مسایل اخلاقی و اجتماعی زن نیز توجه کردند. نکته قابل ملاحظه اینکه دین مبین اسلام نقش مهمی در نگرش اعراب نسبت به زن داشته است. اسلام بزرگ‌ترین خدمت را با اصولی که در قوانین و احکام مربوط به زن قرار داده، به زن اعطا کرده است و هم زمان با آشنا کردن زنان به حقوق واقعی خود، شخصیت و کرامت فراموش شده ایشان را زنده نموده است. از نظر اسلام، زن و مرد هر دو انسان‌اند و از حقوق انسانی مساوی بهره‌مندند. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا.<sup>44</sup>

ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید، پروا نمایید و زنهار، از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

زنان همانند مردان می‌توانند به رشد معنوی و تکامل روحی دست یابند و این مسئله اختصاصی به جنس مرد ندارد. همان‌گونه که قرآن این نکته را بیان می‌کند و می‌فرماید:

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا.<sup>45</sup>

و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند، یا آن در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند و به قدر گودی پشت هسته خرمايي مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

و یا در جای دیگری می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>46</sup>

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد. در عصر نهضت نیز شاعران می‌کوشند تا مردان متعصب عرب را بیدار سازند و آنان را نسبت به تقلیدهای کورکورانه آگاه سازند. زن، شریک مرد و آفریده خداوند است و نباید مورد آزار و اذیت قرار گیرد و از حضور در اجتماع محروم شود.

مسئله تعلیم و تربیت زنان، مسأله مهمی است که شاعران معاصر، این موضوع را در شعر خود گنجانده‌اند و لزوم پرداختن به آن را برای اقشار مختلف جامعه تبیین می‌کنند. البته باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که جامعه عربی در عصر نهضت، با نوعی خودباختگی مواجه بوده است. برخی شاعران و ادیبان عرب این دوره، راز موفقیت غربی‌ها و توانایی‌های علمی آنان را در ظاهر ایشان می‌دیدند. ازین رو، گمان می‌کردند برای از بین بردن جهل و نادانی باید با مظاهر عقب‌ماندگی مبارزه کنند. در نظر ایشان مبارزه با نمودهای ظاهری عقب‌ماندگی، همان شکستن سنت‌های بومی و اسلامی بود. در مقابل این گروه، دسته‌ای دیگر از شاعران، به دفاع از آزادی زنان در پرتو دین مبین اسلام پرداختند.

بنابراین، شاعران معاصر عرب را در برابر مسایل جدید زنان می‌توان به سه گروه اساسی تقسیم کرد: دسته اول مانند احمد شوقی، جمیل صدقی الزهاوی و معروف الرصافی، ضمن بیان لزوم تعلیم و تربیت زنان، رهایی آنها از حجاب و پوشش را می‌خواهند. برخی دیگر مانند

.....نگاهی به تصویر زن در شعر شاعران معاصر عرب / 165

عائشه التیموری، آزادی زن را در پرتو حجاب و عفاف تبیین می‌کنند و برخی دیگر مانند حافظ ابراهیم، موضعی میانه نسبت به حجاب دارند و معتقدند سخت‌گیری و آزادی مطلق هر دو موجب فساد است.



پی‌نوشت

1. حنا الفاخوری، تاریخ الادب العربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات توس، 1388 هـ.ش، ص 35.
2. همو، الجامع فی تاریخ الادب العربی، ج 1، قم، منشورات ذوی القربی، 1422 هـ.ق، ص 145.
3. همان، ص 146.
4. تاریخ الادب العربی، ص 41.
5. ابوالفضل رضایی و علی ضیغمی و مهدی طاهری، الوجیز فی تاریخ الادب العربی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، 1386 هـ.ش، ص 20.
6. سید علی میرلوحی، مختارات من روائع الادب العربی فی العصر الاسلامی، تهران، انتشارات سمت، 1381 هـ.ش، صص 82-83.
7. محمد علی آذرشب، الادب العربی و تاریخه حتی نهایتة العصر الأموی، تهران، انتشارات سمت، 1377 هـ.ش، ص 164.
8. تاریخ الادب العربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص 166.
9. الوجیز فی تاریخ الادب العربی، ص 51.
10. المتنبی، دیوان شعر، شرح: عبدالرحمن البرقوقی، ج 1، بیروت، انتشارات دار الفکر، 1422 هـ.ق، ص 166.
11. الوجیز فی تاریخ الادب العربی، ص 85.
12. تاریخ الادب العربی، ص 621.
13. الجامع فی تاریخ الادب العربی، ج 2، ص 10.
14. همان، صص 10-19.
15. صادق خورشیا، مجانی الشعر العربی الحدیث و مدارسہ، تهران، انتشارات سمت، 1386 هـ.ش، ص 58.
16. محمد جنتی فر و محمد حسن معصومی، تاریخ الادب العربی الحدیث، قم، انتشارات ندای سروش، 1383 هـ.ق، ص 30.
17. حسین عباسی، گام‌هایی بلند اما محتاطانه، روزنامه «جام جم»، تاریخ نشر 1385/01/15.
18. قاسم امین، الأعمال الكاملة، ج 2، ترجمه محمد عماره، قاهره، دار الشروق، 1989 م، ص 54.
19. همان، ص 65.
20. فهمی جدعان، اسس التقدم عند مفکری الإسلام فی العالم العربی الحدیث، ج 3، عمان، دار الشروق،



- 1988م، ص 491.
21. الأعمال الكاملة، ص 13.
22. گام‌هایی بلند اما محتاطانه.
23. سید جواد شبّر، ادب الطف أو شعراءالحسين(ع)، ج 10، بیروت، انتشارات دارالمرتضی، 1409م، ص 91.
24. محمد علی آذرشب، مقاله «اصالت و وابستگی در ادبیات معاصر عرب».
25. تاریخ الادب العربی، ص 682.
26. یوسف عزالدین الشعر العراقي الحديث و التيارات السياسية و الاجتماعية، مصر، دارالمعارف، 1379هـ.ق، ص 211.
27. حافظ ابراهیم، دیوان شعر، شرح و تحقیق: محمد زکریا عنانی و غرید الشیخ، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 2001م، صص 265-268.
28. نادر نظام طهرانی و سعید واعظ، شذرات من النظم و النشر فی العصر الحديث، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، 1382 هـ.ش، صص 27-20.
29. احمد شوقی، الشوقیات، تصحیح یوسف الشیخ محمد البقاعی، بیروت، دار الكتاب العربی، 1428 هـ.ق، ص 145.
30. همان، ص 83.
31. همان، ص 368.
32. الجامع فی تاریخ الادب العربی، ج 2، ص 129.
33. عائشه التیموری، دیوان شعر، مصر المطبعة الشرفیة العامرة، 1303ق، صص 3 و 4.
34. همان، ص 410.
35. جمیل صدقی الزهاوی، دیوان شعر، بیروت، دار العوده، 1972م.
36. الجامع فی تاریخ ادب العربی، ج 2، ص 421.
37. همان، ص 492.
38. معروف الرصافی، دیوان شعر، بیروت، دارالعوده، 1972م.
39. شذرات من النظم و النشر فی العصر الحديث، صص 54-57.
40. شذرات من النظم و النشر فی العصر الحديث، ص 54.
41. محمد رضا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، تهران، انتشارات سخن، 1380 هـ.ش، ص 115.

42. همان، صص 126، 127، 287 و 288.

43. همان

44. نساء: 1

45. نساء: 124

46. نحل: 97

